

The Ontology of the Book *Interaction in Literary Genres* Under the Review Scale

Rasoul Balavi*

Abstract

This book deals with interaction which is one of the important criticism problems related to literary genres. Interaction is regarded as a perfect standing for literary genres. The researcher Basma Aros tried to examine this idea and Maqāmah and how much this prosimetric literary genre accedes to interactive reading. Choosing Maqāmah as a project for this study was a conscious choice because Maqamat is regarded as the basis of the literary genres, and it went beyond other prosimetric literary genres. We chose the book “*the Tiger and the Wolf* “ written by Sahl Ibn Haroon because it contains conflicting interaction be embodied in an interrelated genre approach. To accomplish this study, the researcher also worked on Maqamat "Badi Al-zamn Al-Hamadzani" and Maqamat "Abi Qasem Al-hariri. According to the descriptive-analytical method, In this critical study, we will focus on the mentioned book to reach some points of conclusion which reveal the rank and importance of this book. Our results show that this book aims at disclosing the secrets of interactive relations among literary genres and their contribution in changing the viewpoint to the genres and their role in the interactive course. In order to show the role of interaction in reading prosaic texts through applying old and modern opinions, the researcher chose the Maqam genre because it includes an exciting genre interaction.

Keywords: Vantage Points, Maqamat, Interaction in Literary Genres, Basma Aros.

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Persian Gulf University, Bushehr, r.ballawy@pgu.ac.ir

Date received: 01/10/2020, Date of acceptance: 20/02/2020



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
ماه‌نامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی)، سال بیست‌ویکم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۰، ۲۵-۴۷

انتولوژی کتاب التفاعل فی الأجناس الأدبية در ترازوی نقد (ارتباط‌مندی در ژانرهای ادبی)

رسول بلاوی*

چکیده

این کتاب به بررسی موضوع مهمی از موضوعات عرصه نقد، درخصوص ژانرهای ادبی از جمله کارکردهای ارتباطی، به‌منزله و ویژگی مکمل انواع ادبی پرداخته است. مؤلف کتاب، بسمه عروس، این مفهوم و پیوندش با مقامه و نیز میزان هم‌سانی آن با خوانش ارتباطی را مورد مطالعه قرار داده است. ارزش ادبی مقامات و جایگاه برتر آن در مقایسه با سایر متون مثنوی را می‌توان از جمله دلایل انتخاب آن به‌مثابه ماده اولیه پژوهش یاد کرد. نویسنده کتاب بر آن است که بُعد ارتباطی متفاوتی ضمن ژانرهای ادبی متداخل را به‌وسیله مطالعه کتاب النمر و الثعلب سهل‌بن هارون بررسی کند؛ همان‌گونه که مؤلف مقامات «بدیع‌الزمان همدانی» و «ابوالقاسم حریری» را محور پژوهش قرار داده بود. این مقاله براساس رویکرد توصیفی - تحلیلی خواهان بازبینی و نقد کتاب یادشده به‌منظور جلی‌ساختن اهمیت آن است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این کتاب سعی در عیان‌کردن کارکردهای ارتباطی موجود در ژانرهای ادبی و میزان تأثیرگذاری آن در تغییر نگرش به ژانرها و هم‌چنین نقش آن در روند ارتباط‌مندی است. بسمه عروس نیز به‌منظور اجرای دیدگاه‌های نقدی جدید و قدیم و باهدف رونمایی از نقش بارز ارتباطی در خوانش متون مثنوی به ژانر مقامه، که حاوی راندمانی ارتباطی و محرک است، روی آورده است.

کلیدواژه‌ها: انتولوژی، مقامات، ارتباط‌مندی ژانرهای ادبی، بسمه عروس.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، r.ballawy@pgu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

۱. مقدمه

بیش‌تر نویسندگان به ابداع و نوآوری شیوه‌های جدید بیان روی می‌آورند و لاجرم این نوآوری گاهی به نابودی متن اصلی و گاهی به تضعیف آن می‌انجامد. حال آن‌که می‌توان از این روش به‌عنوان ابزار ساخت و تخریب نیز یاد کرد. گفتنی است که باوجود تمام این مسائل مسئله نوآوری یک تلاش مداوم و غیرمنتظره از جانب نویسندگان جهت پویایی نوشته‌های جدید است و به این منظور ژانرهای گوناگون و سبک‌های متعددی را برای این امر به کار می‌گیرند، این ژانرها درهم تنیده می‌شوند، و کارکردهای ارتباطی نویسنده از یک سو و متون باستانی قدیمی انباشته‌شده از سوی دیگر را آشکار می‌سازند که نویسنده با استفاده از آن‌ها متن جدید خود را به عرصه ظهور می‌آورد و این پدیده‌ای است که با عنوان کارکردهای ارتباطی یا تداخل ژانرها از آن یاد می‌شود (فلاح ۲۰۱۶: ۵۹).

هم‌پوشانی و تداخل ژانرهای ادبی، در دو سطح نوآوری و انتقادی، امری دیرینه به حساب می‌آید؛ زیرا داستان‌های شاعرانه و موزون حضور گسترده‌ای در زمینه میراث شعری عرب دارد، هم‌چنین مقامه، زندگی‌نامه‌های فولکلور، و داستان هزار و یک شب، و دیگر آثار از این قاعده مستثنا نیستند؛ چراکه تمامی آن‌ها ترکیبی از فنون نظم و نثرند. هم‌پوشانی و تداخل ادبی نیز با جای گرفتن مجموعه‌ای از ژانرهای ادبی در ترکیبی از فضای ادبی منحصر نمی‌شود، بلکه به تکتیر یک ژانر به مجموعه ژانرهای متجانس همگن سازگار در یک متن امتداد می‌یابد (ترکی بی‌تا: ۲۰).

برخی از ژانرها، هم‌چون خطابه و رسائل، بسیار شبیه به هم و نزدیک به هم دیده می‌شوند و آن به دلیل وجوه سبکی مشترک و چگونگی بیان و روایت آن‌هاست (یحیایوی ۱۹۹۱: ۸). بر کسی پوشیده نیست که متون متشور به دلیل برخورداری از فضایی آزاد در تکنیک بیان و روایت آن‌ها از جمله ژانرهای ادبی به‌شمار می‌آیند که توانایی جذب و بهره‌گیری از دیگر ژانرهای ادبی را دارند (عتیق ۲۰۰۸: ۱۰۳۴). برجسته‌ترین متون ادبی در فن مقامات نمود یافته‌اند که در ساختار هنری خود ژانرهای ادبی دیگری را دربر گرفته‌اند؛ تا آن‌جایی که «بسمه عروس» در کتاب خود تحت عنوان *التفاعل فی الأجناس الأدبية: مشروع قراءة نماذج من الأجناس النثرية القديمة* به مطالعه مقامات و تطبیق پژوهش‌های نظری بر آن پرداخته است.

بسمه عروس پژوهش‌گری از شبه‌جزیره عربستان است و درجه دکترا در رشته زبان و ادبیات عربی از دانشکده ادبیات منوبه تونس دارد. وی هم‌اکنون با مرتبه علمی دانش‌یاری عضو هیئت علمی دانشگاه الملک سعود در بخش زبان و ادبیات عربی است.

وی در این پروژه پژوهشی سترگ و مهم به دنبال بیان مفهوم اثرپذیری با تکیه بر مجموعه‌ای از نظریات ادبی و نقش فعال آن در خوانش درونی متون موردبررسی است که کندوکاوی بر کارکردهای ارتباطی مقامات به‌شمار می‌رود. پژوهش‌گر با این فرضیه کار خود را آغاز می‌کند:

ژانرهای ادبی و دیگر سبک‌های مرتبط به آن ساختارهایی متحول و دگرگون‌شده‌ای هستند که توانایی تغییر و تبدیل به گفتمان‌هایی دیگر را دارند، هم‌چنین این ژانرها قادر به تغییر خویش نیز هستند، گرچه دراصل ژانری مستقل با رویکردی مستقل بوده و می‌تواند تبدیل به انواع گسترده‌تری شود و در ویژگی‌های خود تغییراتی منطبق با وضعیت جدید اعمال کند و چنانچه این امر روی دهد، به سازه‌ای از سازه‌های یک هم‌بستگی فراتر و گسترده تبدیل خواهد گشت (عروس ۲۰۱۰: ۱۱-۱۲).

بسمه عروس مقامه را برای آزمایش این فرضیه از میان متون ادبی فراوان انتخاب کرده است؛ چراکه مقامات مذهب نوشتاری خاصی در ادبیات عرب است که برخی ناقدان آن را یک جنس ادبی فراگیر و یک شکل پیرامونی می‌دانند که سبک‌های مختلف و ژانرهای دیگر را دربر می‌گیرد.

۱.۱ سؤالات پژوهش

در این پژوهش برآنیم تا به سؤالات زیر جواب دهیم:

- پژوهش‌گر بسمه عروس تا چه حد در مطالعه کتاب و پرداختن به موضوع و محتوای آن و مطابقت و برابرسازی نظریات بر آن موفق بود؟
- معایب و محاسن این کتاب کدام‌اند؟
- آیا این کتاب به‌منزله ماده درسی در مراحل بالاتر تحصیلی مفید است؟

۲.۱ پیشینه پژوهش

از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این راستا انجام شده است، می‌توان به آثار زیر اشاره کرد: «فرج بن رمضان» (۲۰۱۱) کتابی با عنوان *الأدب العربی القديم ونظریة الأجناس؛ إشکالیة الفصص* نوشته است. نویسنده در این کتاب به مسئله خوانش ارتباطی (مقاربه الأجناس) در ادبیات عربی قدیم و هم‌چنین به مطالعه مجموعه‌ای از داستان‌ها می‌پردازد و بر میزان

اثربخیزی این داستان‌ها با روش‌های نوشتاری خارج از آن‌ها یا ارتباطشان با برخی ژانرهای دور و نزدیک تأکید می‌کند. با این حال، نظارت بر اثربخیزی و تلاش برای تعریف قوانین و مفاهیم آن هدف این پژوهش نبوده، بلکه در واقع به انواع داستان‌سرایی به واسطه توصیف تمایزها و اشتراک‌ها اهمیت نشان داده است.

هم‌چنین در این راستا می‌توان به «صالح‌بن رمضان» اشاره کرد که به نام‌های ادبی (الرسائل الأدبية) اهتمام وافری داشته است و در پژوهش‌های وی شاهد آنیم که نویسنده بر کارکردهای ارتباطی در نام‌نگاری‌های ادبی، هم‌چنین هم‌پوشانی ژانرها با یک‌دیگر، و تداخل سبک‌ها، که از ویژگی‌های این نوع نوشتار است، تمرکز خاصی داشته است.

پژوهشی دیگر به قلم «نادر قاسم» (۲۰۱۶) تحت عنوان «نظریه تطور الأجناس الأدبية في ضوء النظريات النقدية الحديثة: مقارنة نقدية تحليلية»^۱ در مجله *امار/باک* منتشر شده است. این پژوهش نظریه تکامل ژانرهای ادبی را به منزله مشکلی برای متقدمان و دانش‌پژوهان مورد مطالعه قرار می‌دهد، به‌ویژه با نظر به ماهیت ژانر ادبی و اهمیت آن و با توجه به تئوری ادبیات و نظریه‌های انتقادی مدرن فردینان برونیتیر (Ferdinand Brunetiere)، رنه ولک (René Wellek)، ژرارد ژنت (Gérard Genette)، جولیا کریستوا (Julia Kristeva)، و رولان بارت (Roland Barthes) در دوره‌ی پسا ساختارگرایی اهمیت آن را به تصویر می‌کشد.

«حسن دخیل الطائی» (۲۰۱۳) مقاله‌ای با عنوان «تداخل الأنواع الأدبية النشأة والتطور» به رشته تحریر درآورده است. این نویسنده در این پژوهش به نظریه انواع سبک‌های ادبی و کندوکاو در اصولی می‌پردازد که آثار ادبی بر پایه آن نگاشته می‌شود و هم‌چنین به ویژگی نوشتارهای ادبی‌ای می‌پردازد که بر اساس ژانر خاص و سبکی معین نوشته شده باشند. هم‌چنین، پژوهش‌گر از علل پیشرفت و ترقی انواع ژانرهای ادبی و چگونگی از بین رفتن واژگان، نظریه، و انقراض آن‌ها سخن به میان می‌آورد.

«حسین ابویسانی» (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «الأدب المقارن في الدراسات المقارنة التطبيقية در بوته نقد» نگاشته که در مجله *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی* در شماره هشتم منتشر شده است. پژوهش‌گر در این پژوهش پس از بررسی مهم‌ترین نقاط قوت و ضعف به این نتیجه می‌رسد که این کتاب با وجود موفقیت چشم‌گیر در دستیابی به برخی اهداف مدنظر از لغزش‌ها و نواقص تهی نیست.

اما در رابطه با نقد کتاب *التفاعل في الأجناس الأدبية: مشروع قراءة لنماذج من الأجناس الشعرية القديمة*، اثر بسمه عروس، با نگره‌داشت جانب احتیاط علمی، باید گفت که به هیچ‌گونه مورد پژوهشی در این زمینه دست نیافته‌ایم و این پژوهش اولین کار در این راستاست.

۲. اصطلاح کارکردهای ارتباطی

براساس ادعای بسمه عروس در کتاب خود اصطلاح تعامل را اصطلاحی مبهم در میان نوشته‌های پیشین یاد می‌کند، وی می‌نویسد:

اگر مفهوم اصطلاح تعامل را بررسی کنیم، به‌سختی می‌توان تعریفی دقیق، جامع، و مانع برای آن به‌دست آورد و هرآنچه در این باره یافت می‌شود اشاره‌ها و تعریف‌های مختصر و پراکنده‌ای است که در بطن کتاب‌ها با هاله‌ای از ابهام بیان شده‌اند (عروس ۲۰۱۰: ۴۵).

نوشتارهای ادبی بهترین و گسترده‌ترین زمینه برای مطالعه جنبه‌های کارکردهای ارتباطی است؛ زیرا پیوند و انسجام عناصر نوشتار ادبی، وظایف کارکردهای ارتباطی، و تعامل آن‌ها را در متن نشان می‌دهد. فعل و انفعالات دیگر فقط دامنه فرم نیست، بلکه بیش‌تر روی سطوح خاص‌گرایی رسمی و عملکرد ادبی متمرکز است. اگرچه اصطلاح «تعامل» اغلب در آثار فرمالیست‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد، می‌توان مبانی نظری تعامل ژانرهای ادبی را بیش از آنچه در مبحث دیگری یافت می‌شود، از طریق جست‌وجوی آن‌ها برای توسعه ادبی نشان داد. مهم‌ترین چیزی که به فرمالیست‌ها نسبت داده می‌شود ایجاد مفهوم تعامل از طریق صحبت در مورد ویژگی ادبی و زبانی یا دو عنصر ادبی و زبانی است (همان: ۵۶، ۵۷).

فرمالیست‌ها تعامل را به‌شکل یک نظریه کامل و موجود یا مفهومی که دارای عناصر و ارکان کامل باشد نمی‌دیدند، بلکه به‌عنوان رویکردی از رویکردهای تفسیر توسعه ژانرهای ادبی و گونه‌ای از گونه‌های بیان شکل ظاهری و ویژگی‌های مختلف موجود در درون متون ادبی به آن می‌نگریستند. و پیوسته به مسئله پیشرفت ادبی و مفهوم ساختار، به‌عنوان یکی از مفاهیم اساسی، اشاره داشته‌اند، درحالی‌که مفهوم 'تعامل'، که آن نیز یک مفهوم اساسی است، به‌عنوان یک امر مسلم و آشکار، در سخن آن‌ها ذکر نشده است (همان: ۵۷).

از این سخن به این نتیجه می‌رسیم که فرمالیست‌ها به پدیده کنش متقابل به‌مثابه یک نظریه مستقل نمی‌نگرند، بلکه آن را روشی برای تفسیر ژانرهای ادبی می‌دانند.

۳. ژانرهای ادبی

در کتاب معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها آمده است که «ژانر در لغت شکل و قسمتی از یک چیز است و از نوع کلی‌تر است» (مطلوب ۲۰۰۰: ۲۶۴). واژه «ژانر» به‌معنای اصل و

تولد لحاظ شده است و در معنای عام بر مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که انواعی را دربر می‌گیرد و این انواع، در برابر آن مجموعه، به مثابه فرع از اصل است (قسومه ۲۰۰۴: ۱۰۰). ژانرهای ادبی به مجموعه نوشتارهایی گفته می‌شود که ویژگی‌های معینی، چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ محتوا، آن‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. و پژوهش‌گران بر این نکته اتفاق نظر دارند که به‌سختی می‌توان تعریفی دقیق و جامع برای ژانر ادبی ارائه داد (مبارکیه ۲۰۱۷: ۷).

از جمله نظرها و آرای نوین، درباره تقسیم‌بندی کلاسیک ژانرهای ادبی نظریاتی است که فرمالیست‌های روسی آن را مطرح کرده‌اند، مبنی بر این که فرم یک اثر ادبی و چگونگی شکل‌گیری آن نشان‌دهنده جایگاه آن اثر در یک ژانر ادبی خاص است. این همان چیزی است که توماشفسکی آن را چهره ژانر ادبی خواند و گفت: «همانا تشخیصی متناوب مابین کثرت و نقصان برای آثار متنوع ادبی، با توجه به انسان شیئی شده (مسلط) که ترکیب ژانر ادبی را تنظیم می‌کند، این تمایز انسان می‌تواند ریشه‌های مختلفی داشته باشد» (قاسم ۲۰۱۶: ۴۰). نظریه تکامل ژانرهای ادبی نظریه‌ای است که منتقد فرانسوی، فردیناند پرونیور (۱۸۴۹ - ۱۹۰۶)، تحت تأثیر نظریه داروین، در رابطه با توسعه علم زندگانی و حیات آن را بیان می‌کند و آن نظریه در موارد زیر خلاصه می‌شود:

۱. ژانرهای ادبی از وجود خارجی مشخص و ثابتی برخوردارند که در آن هر ژانر ادبی با ویژگی‌هایی جدا می‌شود که آن را از دیگری متمایز می‌کند، گرچه گاهی شباهت‌هایی بین ژانرهای ادبی وجود دارد؛
۲. هر ژانر ادبی زمان خاص خود را دارد که در آن متولد می‌شود، رشد می‌کند، و منقرض می‌شود. لذا در یک بازه زمانی خاص زندگی خودش را دارد؛
۳. ژانرهای ادبی ممکن است به‌طور طبیعی در کردار، رفتار، و فرهنگ مردم به وجود آیند، بدون این که از ادبیات ملل دیگر جهت رشد و پیشرفت یاری جویند. پژوهش‌گر برای استفاده از این نظریه بایستی از مرزهای زبان ملی خود فراتر رود و به زبان‌های دیگر سوق یابد، بنابراین پژوهش‌گر در ادبیات آن‌ها به دنبال ریشه ژانر ادبی است که با آن سروکار دارد، براساس آن برونتیر به توجه و مطالعه ادبیات تطبیقی سفارش کرده است (تلیمه ۱۹۷۶: ۳۵).

از جمله انتقاداتی که متوجه شیوه تدریس فردیناند برونتیر در مورد تدریس ژانرهای ادبی شده این که برای ژانرهای ادبی هیچ‌گونه وجود مستقلی در نظر نمی‌گرفت، مگر

این که همانند نژادهای حیوانی پیشرفت حتمی داشته باشد. هم‌چنین برونتیر تمام وجود خود را وقف ژانرهای ادبی کرد، درحالی که وظیفه اصلی وی پژوهش ملت‌ها و پیشرفت آن‌ها بوده است، هم‌چنین هرآنچه جوامع آن‌ها از تقالید خود به ادبیات عرضه می‌کنند.

اگرچه برخی از منتقدان در تعریف دقیق مفهوم ژانرهای ادبی با مشکل روبه‌رو شده‌اند، می‌بینیم که ژان «میشل کالووی» اعلام می‌کند که ژانرهای ادبی انواع تجربی‌اند که حداقل در برون‌یابی از این موارد، یعنی با استفاده از یک فرایند استنتاجی، به‌وجود می‌آیند، باین‌حال شاید این تعریف دقیقی نباشد. آن‌چه برای ما حائز اهمیت است اشاره به این واقعیت است که تئوری ژانرها به‌مرور زمان به خلاقیت پی می‌برند (ویس ۲۰۰۹: ۲۶). باین‌حال، روند طبقه‌بندی آثار ادبی خلاق به ژانرها و سبک‌ها کاری آسان نیست، بلکه روندی است که با مشکلات زیادی روبه‌رو است (الطائی ۲۰۱۳: ۴۵). بسمه عروس، نویسنده کتاب *التفاعل فی الأجناس الأدبیه*، رشته پیچیده کارکردهای ارتباطی را برای پروژه مهم خود انتخاب کرده است و بی‌شک این پیچیدگی در تعریف این رشته و خوانش ارتباطی به تلاش و زمان فراوانی نیاز دارد.

۴. معرفی کتاب

این کتاب را انتشاراتی با نام «مؤسسه الانتشار العربی (بنیاد نشر عرب)» در سال ۲۰۱۰ در شهر بیروت منتشر کرده است. حجم کتاب این‌گونه است که اندازه آن ۱۷×۲۴ ، در یک جلد، و دارای ۴۶۰ صفحه است. این کتاب در واقع پایان‌نامه دکتری رشته زبان و ادبیات عرب بود که در (۱۸ فوریه ۲۰۰۴) از آن دفاع شد. به‌عقیده پژوهش‌گر، این کتاب به‌منظور بررسی مسئله ژانرهای ادبی نوشته شده است، بسمه عروس بیان می‌کند:

یکی از مباحثی که در مطالعه ژانرهای ادبی مطرح می‌شود مسئله کارکردهای ارتباطی و بررسی پیشرفت و انقراض انواع ادبی و هم‌چنین فرم آن در دوره معین است که از ابتدای قرن سوم آغاز و تا انتهای قرن ششم هجری را شامل می‌شود (عروس ۲۰۱۰: ۱۵).

کتاب مدنظر، به‌ویژه در زمینه نثر قدیم و مرتبط با مقامه، توانسته است مطالب انتقادی ارزنده‌ای را به خواننده ارائه دهد.

۵. محورهای کتاب

این کتاب در یک جلد مشتمل بر ۴۶۰ صفحه منتشر شده است. پس از فهرست، صفحه‌ای به منظور سپاس‌گزاری اختصاص داده شده است که نویسنده در آن مراتب قدردانی و تشکر خویش را از کمیته داوری به عمل آورده است که این رساله را داوری کرده‌اند و کسانی که در روند نوشتن این پژوهش او را یاری رسانده‌اند و از ابتدا تا به انتها وی را هم‌راهی کرده‌اند. هم‌چنین، مقدمه دکتر حمادی صمود^۱، استاد راهنمای پایان‌نامه، را نیز در ابتدای کتاب درج کرده است. وی در این مقدمه از اهمیت این پژوهش سخن به میان آورده است. هم‌چنین مراحل و سختی‌هایی که نویسنده در روند نوشتن این پژوهش پیش‌رو داشته است در مقدمه آورده شده است.

به عقیده نگارنده این پژوهش، دیباچه‌ای که حمادی صمود نوشته است دارای مطالبی مهم‌تر و روشن‌کننده این مسئله است. لذا اهمیتی فراتر از مقدمه بسمه عروس دارد. درباره مقدمه خود پژوهش‌گر باید گفت که واضح و مبرهن است که پژوهش‌گر در دیباچه شرح مفصل و خسته‌کننده‌ای عرضه داشته است و بر شناسایی مفهوم «تعامل» براساس آرای نظریه‌پردازان غربی اعتمادی تام داشته که این امر سبب شده است تا زبان نویسنده زبانی سخت و نامفهوم جلوه کند. درضمن، نویسنده در قسمت مقدمه مسائل مربوط به شرح نظریه را به‌طور مفصل بیان کرده است و نیازی به اختصاص یک فصل به تعاریف مجدد نظریه نیست و می‌بینیم که نویسنده در فصل اول تمرکزی توجیه‌ناپذیر بر تعریف و توصیف نظریه دارد، درحالی‌که می‌توانست در مقدمه‌ها از این کار چشم‌پوشی کند. بسمه عروس کتاب خود را به دو بخش تقسیم کرده است که به شرح زیر است:

بخش اول: جمع‌بندی تعاریف تفاعل (کارکردهای ارتباطی). این بخش نظری شامل دو فصل است.

فصل اول: درباره معنای کارکردهای ارتباطی است که این موضوع با چهار مضمون فرعی سروکار دارد و پس از هر محور نتیجه‌گیری ارائه می‌شود. اولین محور از نظر تئوری گفتمان مرتبط با ژانرها، عملکردها، و مفهوم تفاعل از منظر فرمالیستی را بررسی می‌کند. در این محور، پژوهش‌گر دیدگاه‌های فرمالیست‌های روسی در مورد تعامل ژانرهای ادبی را عرضه می‌کند. محور دوم در مورد تعامل بین فرم ساده و فرم تکمیل‌شده سخن گفته شده است. محور سوم به گفت‌وگو و چندصدایی به‌عنوان دو مفهوم موازی با مفهوم تفاعل می‌پردازد. آخرین محور این فصل درباره نظریه بینامتنیت است و نویسنده بینامتنی و تأثیرات ایده ارتباطی را بررسی کرده است.

فصل دوم (تجلیات فکرة «التفاعل»): از طریق تفکر انتقادی به موضوعات پرداخته شده است. این پژوهش در این فصل موضوعات زیادی را مورد ملاحظه قرار داده است؛ از جمله به سرقت ادبی در شعر، درهم تنیدگی ژانرها، و تغییر شکل آنها پرداخته است. **بخش دوم:** این بخش با عنوان «فی رحاب التفاعل: مشروع قراءة التفاعل الأجناس»، سه فصل دارد.

فصل اول: که با عنوان «التفاعل و الجنس الغائب» (ارتباط و ژانر غایب) آمده است، پژوهش در یک مدل تعاملی بر اساس النمر و الثعلب، اثر سهل بن هارون، را ارائه داده است. در این بخش، پژوهشگر دو محور را بررسی می کند. محور اول پژوهش در باب تعامل تا سبک دادن به کتاب و خوانش آرا درباره کتاب النمر و الثعلب است. محور دوم پژوهش مهم ترین ویژگی های تعامل ژانرها در النمر و الثعلب را ذکر می کند.

فصل دوم: «المقامة والنموذج التفاعلی الشامل»: این بخش به تعدادی از پژوهش ها در سه محور پرداخته است. اولین محور را با مقدمه ای در مورد مفهوم کارکرد ارتباطی درون مقامه و برآورد نظریات پژوهشگران در این زمینه آغاز می کند. سپس پژوهشی در راستای پیشینه ظهور و رشد مقامه ارائه شده و پس از آن پژوهشگر رابطه بین مقامات و دیگر ژانرهای ادبی را مطالعه کرده است. پژوهشگر حضور موعظه در مقامه و قاعده مند بودن تمجید درون آن را مورد بحث قرار داده و سپس رد پای ژانرهای روایی درون مقامه را کاوش کرده است. دومین محور در ارتباط با مقامات و دیگر ژانرهای کوتاه ادبی است. پژوهشگر در این قسمت بسیاری از مباحث را مطرح می کند؛ از جمله جنبه های ارتباط بین مقامات و معماها و هماهنگی تعاملی آنها را مورد بحث قرار داده است. هم چنین تعامل بین ساختار گفت و گو، ساختار روایی و بازگشت به مسئله فرم، تفسیر وابستگی کیفی مقامه، و نام گذاری های غیر عرفی مقامه را تفسیر و تبیین می کند. و محور سوم به پاراگراف های بلیغ و متضمن وجوه بلاغی درون مقامه پرداخته است.

فصل سوم: با عنوان «التفاعل اللعی» تفسیر برخی از سبک های تعامل درون مقامه را ذکر می کند. پژوهشگر مسائلی هم چون نوشتار جدی، نوشته های هزلی، فکاهه، و راه و روش نوشتن آن را بیان کرده است. در نتیجه گیری این فصل، پژوهشگر تمام محورهای این قسمت از کتاب را یادآوری می کند. هم چنین قسمت مصادر و مأخذ به دو قسمت تقسیم شده است: بخش اول منابع و بخش دوم مأخذ عربی و غیر عربی که نویسنده به آنها استناد کرده است. در آخر، گفتنی است که این کتاب فهرستی از اعلام و نام های مهم نداشته است.

۶. فرم ظاهری کتاب

در نقد و بررسی کتاب‌های نقدی و ادبی لازم است تا به فرم ظاهری کتاب اهمیت نشان داده شود؛ زیرا فرم ظاهری یکی از مهم‌ترین اجزای کتاب است و این فرم ظاهری است که توانایی جذب خواننده را دارد و توجه خوانندگان را به کتاب معطوف می‌سازد. هم‌چنین در قسمت ظاهری کتاب شما می‌توانید میزان ذوق و سلیقه نویسنده و اهمیت ناشر در امر زیبایی کتاب را ملاحظه کنید. از طرفی تجربه این دو در چاپ را منعکس می‌کند.

۱.۶ جلد کتاب

نوع جلد کتاب *التفاعل في الأجناس الأدبية*، اثر بسمه عروس، کاغذ ساده است و اندازه جلد ۱۷×۲۴ است. نام نویسنده، «بسمه عروس»، در قسمت بالای جلد قرار گرفته و با خطی درشت‌تر در پایین نام نویسنده نام کتاب ذکر شده است. در میانه جلد، قابی مربع‌شکل قرار دارد که بین دو انتهای آن مجموعه‌ای از اشکال هندسی متقاطع دیده می‌شود. این اشکال برای خواننده نامشخص و نامفهوم است. بیش‌تر این اشکال خطوط افقی و عمودی و دایره‌هایی با اندازه‌های مختلف‌اند، برخی به رنگ‌های سیاه، زرد، قرمز، و آبی‌اند و برخی دیگر رنگی به خود ندیده‌اند.



تصویر ۱. جلد کتاب *التفاعل في الأجناس الأدبية*

آنچه در جلد چشم‌گیر است دایره بزرگ‌تری به‌رنگ سیاه است و در گوشه سمت چپ آمده است که شبیه یک خورشید سیاه و تاریک است و توسط هاله‌ای قرمز رنگ و درخشان احاطه شده است و یک مرکز خاکستری در مرکز آن وجود دارد و این دایره سیاه بزرگ وجود ژانرها و ارتباط و عملکرد آن‌ها با یک‌دیگر را به خواننده القا می‌کند. خطوط متقاطع و دایره‌های کوچک پراکنده در مستطیل تقاطع، انشعاب، و دشواری موضوع را نشان می‌دهد. در پایین صفحه نیز نشان انتشارات «مؤسسة الانتشار العربی» در وسط صفحه مشاهده می‌شود و جلد پشت کتاب نیز خالی از نوشته آمده است.

۲.۶ حروف چینی

دقت در نوشتن و حروف چینی واژگان لطافت کتاب و زیبایی هنری و ادبی آن را افزایش می‌دهد. هم‌چنین نظر خواننده را به‌خود جلب می‌کند و لذت بیش‌تری به آن می‌بخشد. اغلب درمی‌یابیم که پژوهش‌گر خود متن کتاب یا مقاله و پژوهش را تایپ یا حروف چینی می‌کند؛ گاهی هم حروف چینی را به شخص دیگری محول می‌کند. هم‌چنین دیده می‌شود که بعضی از پژوهش‌گران حروف چینی را به مؤسسات حرفه‌ای محول می‌کنند و بر روند آن نظارت می‌کنند و متن را مرور و آن را از اشتباهات حروف چینی اصلاح می‌کنند تا به‌شکل بهتری ارائه شود.

کتاب التفاعل فی الأجناس الأدبیة علی‌رغم کیفیت چاپ و ظرافت در تهیه و آماده‌کردن آن با اشتباهات حروف چینی زیادی هم‌راه بوده، هم‌چنین در بسیاری از صفحات این کتاب از علائم نگارشی استفاده نشده و حتی همزه نیز مورد غفلت واقع شده است. طبیعی است که این ایرادها را به نویسنده کتاب منسوب می‌کنیم؛ زیرا این کتاب قبل از این که به‌شکل کتاب ارائه شود، پایان‌نامه دکتری بوده است که توسط کمیته نظارت داوری و بررسی شده است. لذا با این مقدمه وجود چنین خطاهایی برای نویسنده این کتاب قابل توجیه نیست. گفتنی است که نویسنده این کتاب عرب است و با زبان عربی آشنایی تام دارد و این امر از سبک نوشتاری وی کاملاً مشهود و نمایان است. برای این که از مسئله دور نشده باشیم، این خطاها را زیر عنوان اشتباهات حروف چینی قرار دادیم و خطاهای املائی را نادیده گرفتیم. پژوهش‌گر ملزم است که در تکرار چاپ این کتاب این خطاها را برطرف کند.

۳.۶ صفحه‌آرایی

صفحه‌آرایی استفاده از حروف، اشکال، خطوط، و ترتیب آن‌ها به گونه‌ای است که توجه خواننده را به خود جلب کند. این عملکرد اغلب توسط ناشر برای اطمینان از کیفیت متون جهت چاپ استفاده می‌شود. صفحه‌آرایی کتاب بسیار عالی و مناسب برای مطالعه است. هر صفحه شامل ۲۸ سطر است. عناوین و سرفصل مطالب به شکل بزرگ و برجسته‌ای نمایش داده شده است. اگرچه این کتاب به زبان عربی است، شماره‌ها (شماره صفحه، حاشیه، منابع، و تاریخ‌ها) به زبان انگلیسی است و این امر توصیه نمی‌شود و یک عیب به حساب می‌آید.

۴.۶ طراحی کتاب

نویسنده/ناشر در مسئله زیبایی کتاب، طراحی حرفه‌ای آن، رعایت حاشیه‌ها، و حاشیه‌نویسی نهایت دقت را کرده که این امر باعث بالابردن کیفیت کتاب شده است. هم‌چنین در قسمت شماره‌گذاری صفحات می‌بینیم که در صفحات راست شماره‌گذاری در قسمت چپ قرار دارد و در صفحات چپ شماره‌گذاری در قسمت راست جای می‌گیرد و گاهی هم بالعکس دیده می‌شود. خطاهای سهوی در امر شماره‌گذاری نیز دیده می‌شود؛ از جمله شماره صفحه‌های ۱۷۷ تا ۱۸۳ نامنظم است و آن به این ترتیب است: (۱۷۷-۱۷۹-۱۸۱-۱۸۳)، زیرا شماره‌های روبه‌رو حذف شده‌اند: (۱۷۸-۱۸۰-۱۸۲) و این از ایراداتی است که توجه‌ناپذیر است. از آن‌جاکه محورهای پژوهش با کمی ابهام و پیچیدگی عجین شده است، نویسنده حاشیه‌ها را در بیش‌تر صفحات کتاب افزایش داده است.

۵.۶ قوانین نوشتن

اگرچه سبک نویسنده در نوشتن این کتاب متبحرانه و استادانه است، ایراداتی وجود دارد که بیش‌تر حروف چینی و تایپی است و در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- در صفحه ۳۹، پاراگراف آخر، سطر دوم، کلمه «ببقی» به جای «ببقی» اشتباه تایپ شده است؛

- در صفحه ۴۵ آمده است: «فإذا ما جئنا إلى مبحث مغاير تمام المغايرة لما طلبنا عثرنا على ما يؤسس لهذا المفهوم...»؛ همان‌طور که می‌بینیم، دلیل توالی دو عمل (طلبنا عثرنا) مشخص نیست؛

- عنوانی که در صفحه ۱۸۱ آمده است با عنوان «التفاعل والجنس الغائب: قراءة فی نموذج تفاعلی من خلال «النمر والتعلب» در فهرست کتاب درج نشده است؛
- در آخرین سطر صفحه ۲۰۳ کلمه «أراء» به جای «آراء» آمده است؛
- غفلت از همزه در برخی از واژگان، برای مثال در سطرهای ۷ و ۹، غفلت از همزه در واژه «او»؛ در سطر دوم صفحه ۲۰۳، همزه در کلمه «الامن» نادیده گرفته شده است؛
- در صفحه ۲۰۴، سطر دوم آخرین پاراگراف کلمه «الریاسة» به جای «الرئاسة» آمده است.
- در صفحه ۲۲۵، حاشیه اول با توضیحاتی در مورد «الجاحظ» آمده است، اما پژوهش‌گر شماره را در متن بر روی «ابن المقفع» قرار داده است.
- پژوهش‌گر متون شعری را به دقت در صفحات ۱۲۷، ۱۶۴، ۳۳۴، و ۳۵۰ تنظیم کرده و اعراب‌گذاری درستی بر آن‌ها قرار داده است. باین حال، از اعراب‌گذاری و حرکت‌گذاری شواهد گرفته شده از مقامات غفلت شده است و به نظر بهتر بود که آن‌ها را نیز اعراب‌گذاری می‌کرد. یا حداقل متن ارسالی را برجسته می‌کرد تا خواننده به راحتی می‌توانست نسبت اقتباسات و تعداد آن‌ها در متن را مشاهده کند.

۶.۶ علائم نگارشی

علائم نگارشی در کتاب‌ها، مقالات، و پایان‌نامه‌ها بسیار اهمیت دارند. بسمه عروس در استفاده از علائم نگارشی نهایت دقت را کرده است، اما کتاب بدون خطاهای سهوی نبوده و بعضی موارد ناخواسته رخ داده است. یکی از فاحش‌ترین خطاها استفاده از اعداد لاتین به جای اعداد عربی است که این امر در یک کتاب علمی به زبان عربی توصیه نمی‌شود و توجیه‌پذیر نیز نیست. نویسنده به جای اعداد و حروف عربی از نشانه‌های لاتین «I»، «II»، و «III» استفاده کرده است. حال اگر آن قسمتی را که در آن اعداد لاتین استفاده شده است تا آخر این‌گونه اختیار می‌کرد، می‌توان از این مسئله چشم‌پوشی کرد، اما می‌بینیم که پژوهش‌گر از این اعداد لاتین در فصل دوم بخش اول که در آن چهار عنوان فرعی آمده، در محور چهارم از این قسمت از عدد «۴» عربی استفاده کرده است. نویسنده به جای «III» عدد «۴» عربی را آورده است که این مسئله در کتابی علمی توجیه‌پذیر نیست.

۷.۶ ارزیابی منابع و مآخذ استفاده‌شده در کتاب

از مهم‌ترین ابزارهای پژوهش علمی در دست داشتن منابع علمی و مراجع مربوط به موضوع مطالعه است؛ زیرا اتکا به مصادر و مراجع علمی و چگونگی مراجعه به آن‌ها در غنی‌سازی مطالعه و غنای علمی آن نقش به‌سزایی دارد. پژوهش‌گر نمی‌تواند پژوهش خود را بدون در دست داشتن منابع و مآخذ علمی به‌تمام برساند و در صورت انجام این کار ممکن است این پژوهش فاقد اعتبار علمی باشد. پژوهش‌گر قرار است منابع و مآخذ را جمع‌آوری و آن‌ها را قبل از شروع مراحل نوشتن مطالعه کند.

بسمه عروس، نویسنده این کتاب، برای تکمیل مطالعه خود فهرستی از مصادر و مراجع عربی و غیرعربی آماده کرده است. تفاوت بین مصادر و مراجع در این است:

مصادر قدیمی‌ترین منابعی که حاوی مطالب درمورد یک موضوع خاص هستند، یا به عبارت دیگر مصادر اولین اسناد و مطالعات منتشره هستند، درحالی‌که مراجع کتاب‌هایی هستند که برای اتمام پژوهش خود لاجرم باید از مصادر استفاده کنند و مصادر را تحلیل، نقد، یا خلاصه کنند (ابوسلیمان ۱۹۸۶: ۳۱).

مصادر منابعی‌اند که حاوی مطالب اساسی پژوهش‌اند و ممکن است مجموعه‌هایی از شعر یا متون منشور باشند که نویسنده قصد دارد آن‌ها را مطالعه کند و ممکن است قدیمی یا جدید و منتشر یا غیر آن باشند. از جمله مهم‌ترین منابعی که بسمه عروس به آن‌ها استناد کرده است عبارت‌اند از کتاب *النمر و الثعلب* اثر سهل بن هارون، *مقامات حریری*، *مقامات همدانی*، *مقامات الزمخشری*، و *مقامات السیوطی* را می‌توان نام برد. اما مراجع بدین تعریف‌اند:

هرآنچه که درمورد ادیبی یا در ارتباط با کارهای وی از جانب پژوهش‌گران گفته شود یا از جانب منتقدان نوشته شود، حال این نوشته‌ها چه به صورت کتاب، پایان‌نامه‌ها، مقالات، یا حتی ملاحظاتی اندک در روزنامه‌ها و مجلات باشند. هم‌چنین دیده می‌شود که تعداد مصادر بیش از تعداد مراجع است، باوجوداین، مراجع در درجه دوم اهمیت قرار دارند؛ زیرا که مصادر نوشته اصلی را در خود جای دارند و مراجع در حد نقد، ترجمه، و خلاصه کردن است (<<https://www.eroshen.com>>).

مهم‌ترین مصادر قدیمی‌ای که نویسنده به آن ارجاع داده این‌هاست: *العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نقده* اثر ابن رشیق قیروانی؛ *عیارالشعر* اثر ابن طباطبای؛ *البیان و التبیین* نوشته جاحظ؛ *الوساطة بین أنصار المتنبي و خصومه* نوشته عبدالعزیز جرجانی؛ *المحاسن و*

المساوی کتاب ارزش مند بیهقی؛ المزهر فی علوم اللغة وأنواعها اثر نویسنده بزرگ سیوطی؛ کتاب الصناعین اثر أبو هلال عسکری؛ منهاج البلاغ و سراج الأدباء کتاب القرطاجنی؛ رساله الصاهل والشاحج نوشته شاعر و فیلسوف بزرگ ابوالعلاء المعری.

از مصادر جدیدی که پژوهش گر به آنها استناد کرده است می توان موارد زیر را ذکر کرد: شعریه النص الثری: مقاربه نقدیه تحلیلیه لمقامات الحریری اثر محمد عبدالجلیل أبلانغ؛ تجنیس المقامه اثر محمد أنقار؛ الأدب العربی القديم و نظریه الأجناس: إشکالیات القصص نوشته فرج بن رمضان؛ مفهوم الأدبیه فی التراث النقدی اثر توفیق الزبیدی؛ قضیه الأجناس الأدبیه فی النثر العربی القديم به قلم عبدالعزیز شبیل؛ نظریه الأدب عند العرب به قلم حمادی صمود؛ الأدب والنراة اثر عبدالفتاح کیلیطو؛ دینامیه النص اثر محمد مفتاح؛ تطور الأسالیب النثریه فی الأدب العربی اثر أنیس المقدسی؛ شعریه النوع فی قراءة النقد القديم اثر رشید یحیوی. از مهم ترین مصادر غیر عربی نوشته های باختین (Mikhail Bakhtin)، دریدا (Jacques Derrida)، و اروینگ گوفمان (Erving Goffman) را می توان ذکر کرد.

اعتماد نویسنده به این مصادر و مراجع می توانست نویسنده را کمک کند تا به یک نوشته علمی، جامع، و کامل دست پیدا کند. هم چنین، با وجود آن که این کتاب پژوهش دانشگاهی بوده، می بینیم که نویسنده در امر ارجاع دهی نهایت دقت را کرده و توانسته است تا امر ارجاع دهی را با موفقیت انجام دهد.

۷. جنبه های محتوایی کتاب

دلیل انتخاب موضوع تعامل ژانرهای ادبی توسط نویسنده در این کتاب چنین آورده شده است:

تلاشی برای بررسی این مفهوم و تلاشی برای بررسی آن و دیگر ژانرهای روایی است، هم چنین به دنبال فهم تعامل متن با کارکردهای ارتباطی و میزان تطبیق نظریه کارکردهای ارتباطی بر آنها هستیم. در این امر قسمت نهان قضیه عیان خواهد شد که در تحول ژانرهای ادبی و قبول این تحول به نوع یا زوال آن می انجامد^۳ (عروس ۲۰۱۰: ۱۶).

نویسنده بر گونه گونی تعامل و مظاهر مختلف آن و هم چنین در برنامه های کاربردی خود در مورد ژانر مقامه متمرکز شده است؛ زیرا این اولین نشانه ها برای مکاتب مختلف تفکر تعاملی است. نویسنده کتاب النمر و الثعلب، اثر سهل بن هارون، را برای نشان دادن این تأثیر و تأثر انتخاب کرده است.

۱.۷ عنوان کتاب

«عنوان» اولین مطلبی است که خواننده با آن مواجه می‌شود. طراحی جلد و عنوان کتاب می‌تواند امضای اولیه نویسنده به منظور معرفی خود به خوانندگان باشد.

عنوان در نقد مدرن به خوبی شناخته شده است، و تجزیه و تحلیل عنوان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ زیرا که عنوان متن کوچکی است که در بطن خود عملکردهای فرمی و شکلی، زیبایی‌شناختی، و معنایی را دربر دارد. بی‌شک عنوان درب ورود به مطالبی گسترده‌تر است. هم‌چنین بعضی از منتقدان کتاب را به سان جسد تشبیه کرده‌اند که عنوان آن همانند سر آن جسد است (جاسم ۲۰۱۳: ۱۴).

گفتنی است که عنوان کتاب جزء متن اصلی کتاب است که فضای بیرون را بر درون انتخاب کرده است. لذا عنوان اولین متنی است که فضای جلد را برای خود اختیار کرده است. به همین علت، عنوان را در بالای بیش‌تر جلد مجموعه شعرها، داستان‌ها، و کتاب‌ها می‌بینیم.

عنوان کتابی که برای پژوهش اختیار کردیم شامل دو بخش است: بخش اول «التفاعل فی الأجناس الأدبية» با رنگی سرخ نوشته شده است. کلمه «تفاعل» در بالای صفحه در یک بخش آمده است. سپس در قسمت دوم «فی الأجناس الأدبية» ذکر شده است. قسمت دوم عنوان با قلمی نازک‌تر نوشته شده است، «مشروع قراءة لنماذج من الأجناس النثرية القديمة» در یک خط دیگر و به رنگ آبی. درحقیقت، عنوان اول فقط یک ایده کلی و نامشخص را نشان می‌دهد، سپس عنوان دوم به خواننده نشان می‌دهد که این کتاب با نثر قدیمی سروکار خواهد داشت. بنابراین، نثر و شعر معاصر را از این مطالعه مستثنا می‌کند.

۲.۷ دیدگاه نقدی

مسئله اقتباس و احاله به مصادر از مهم‌ترین مسائل پژوهشی است و نقطه ضعف بسیاری از پژوهش‌گران در این امر حساس نمایان می‌شود. درواقع اتکا بر تعاریف بعضی از نظریه‌پردازان بدون بررسی، تجزیه، تحلیل، و نقد آن از مهم‌ترین عیوب و ایرادات پژوهش‌های علمی است. پژوهش‌گر با این کار درعمل نظر دیگران را تأیید و توجیه کرده، لاجرم در مسئله ارجاع‌دهی بر هر پژوهش‌گری واجب و لازم است تا نظر و رأی اخذشده را بررسی و تحلیل کند و شرح و بسط دهد و امتناع از این کار مسئله علمی بودن پژوهش را خدشه‌دار می‌کند. درمورد کتاب *التفاعل فی الأجناس الأدبية*، باوجود اقتباس‌های متعدد و

فراوان، متوجه می‌شویم که پژوهش‌گر دربارهٔ اقتباس‌هایی که صورت گرفته است اظهار نظر می‌کند و بسیاری از احاله‌های خود را به‌روش خاص خود تحلیل و نقد می‌کند. هم‌چنین، بسمه عروس در تعریف و توصیف نظریه به آرا و نظریات یک نظریه‌پرداز اکتفا نمی‌کند و مجموعه‌ای از نظریه‌ها را تعیین و تبیین می‌کند.

چه‌بسا، مهم‌ترین ویژگی این کتاب آن است که پژوهش‌گر یک مصدر قدیمی «مقامه» را براساس نظریات و مراجع جدید تطبیق داده است و می‌توان این اهمیت را نیز از درون کتاب به‌قلم خود نویسنده مطالعه کرد. نویسندهٔ این کتاب می‌نویسد:

پژوهش ما مرتبط است به نگاهی نقادانه به بعضی از متون مقامات که در آن مسئلهٔ کارکردهای ارتباطی به‌تمام صورت‌های مختلف آن استفاده شده است، و این امر ما را به ارتباطی فرمی و اهمیت ژانرها و کارکرد آن‌ها در مسئلهٔ ارتباطی و تفاعلی سوق داده، هم‌چنین این مسئله را در مهم‌ترین اثر قرن سوم هجری کتاب *النمر و الثعلب*، اثر سهل بن هارون که به‌عقیدهٔ ما این اثر سرآغاز کارکردهای ارتباطی به‌حساب می‌آید، مورد بحث و بررسی قرار دادیم^۴ (عروس ۲۰۱۰: ۴۴۴).

همان‌طور که مشهود است مطالعات زیادی در مورد مقامات در گذشته و در دوران معاصر نوشته شده است، اما بیش‌تر این مطالعات در مورد موضوعات قدیمی مانند تحلیل گفتمان، تصنع، بینامتنیت، مکان، پارادوکس، روایت، میراث، سبک، و بلاغت متمرکز است. با این حال، این کتاب برای پرداختن به جنبهٔ جدیدی از نقد و بررسی مقامات بوده که قبلاً به آن اشاره نشده است.

این کتاب با سودمندی فراوان در زمینهٔ نقد متون متشور کهن متناسب با موضوعات دانشگاهی مورد توافق در رشتهٔ زبان و ادبیات عربی در دانشگاه‌های ایران نیست، اما به‌دلیل اهمیت موضوع و تمرکز آن بر مقامات می‌تواند یک منبع حاشیه‌ای برای تجزیه و تحلیل متون نثر قدیم در دورهٔ دکتری باشد. گفتنی است که این کتاب به‌دلیل سختی سبک نوشتن، هم‌چنین نحوهٔ نگارش و تهیهٔ آن، و پرداختن به نظریات پیچیدهٔ غربی برای مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد مناسب نیست.

۳.۷ جنبه‌های نوآوری در کتاب

بیش‌تر نظریه‌پردازان در زمینهٔ تحقیقات علمی بر این باورند که مهم‌ترین جنبه‌های جدید در مطالب علمی کتاب را می‌توان در مقدمه و نتیجه‌گیری جست‌وجو کرد؛ زیرا پژوهش‌گران

در مقدمه روش پژوهش، طرح مسئله، هدف، و سؤالات خود را مطرح می‌کنند و پس از مطالعه و تجزیه و تحلیل موضوع، آن‌ها به سؤالات موجود در نتیجه پاسخ می‌دهند (خاکی ۱۳۸۶: ۵).

هرآن‌کس که کتاب *التفاعل فی الأجناس الأدبیه* را ورق بزند می‌تواند با نگاهی اجمالی به مقدمه و نتیجه‌گیری، اهمیت کتاب و جنبه‌های جدید آن را دریابد. در این کتاب، دکتر حمادی صمود، استاد راهنمای پایان‌نامه، مقدمه‌ای در ابتدای کتاب منتشر شده می‌نویسد که راه را برای مطالعه هموار می‌کند و بسیاری از جنبه‌های آن را به تصویر می‌کشد. سپس، پژوهش‌گر یک مقدمه چهارصفحه‌ای و سپس مقدمه دوازده صفحه‌ای می‌نویسد. این مقدمه‌ها می‌تواند ایده‌ای در مورد فرم کتاب، رویکرد، و جنبه‌های نوین آن به خواننده ارائه دهند. در ارتباط با نتایج، پژوهش‌گر در پایان هر مبحث نتیجه‌ای ذکر می‌کند و مهم‌ترین یافته‌هایی را که به دست می‌آورد شرح می‌داد. هم‌چنین، علاوه بر این نتایج در انتهای کتاب قسمت «خاتمه البحث» را ذکر کرده که مجموعه‌ای از نتایج به دست آمده در این قسمت‌ها بوده است.

۴.۷ فواید کتاب

بسمه عروس برای تحلیل مقامه، که اثری قدیمی به حساب می‌آید، با یک نظریه معاصر آن را تحلیل و تبیین می‌کند. وی کتاب را در ۴۶۰ صفحه نوشته است که این میزان تعداد صفحات نشان از تسلط نویسنده بر موضوع و تطبیق صحیح نظریه بر مصدر ادبی دارد. هم‌چنین، ناگفته نماند که نویسنده در این پژوهش مراجع دست‌اول عربی و غیرعربی زیادی مورد استفاده قرار داده است که خود قوت و قدرت نویسنده بر انتخاب متون اقتباس شده را نشان می‌دهد. از این رو، مسئله «ژانرهای ادبی» مسئله‌ای پژوهیده است و قبل از این پژوهش پژوهش‌های زیادی در این حیطه انجام شده است، اما نویسنده با علم بر این موضوع پژوهش خود را با لفظ «تعامل» محصور می‌کند تا دامنه این پژوهش محدودتر شود. هم‌چنین، این لفظ «تعامل» ارزش ادبی و نقدی پژوهش را بالاتر می‌برد.

۵.۷ نواقص و معایب کتاب

علی‌رغم اهمیت موضوع مورد پژوهش و دقت پژوهش‌گر در پرداختن به مسائل، نواقص و معایبی در کتاب دیده می‌شود. از مهم‌ترین معایب این کتاب که باعث شده است متن

سنگین و نامفهوم نمایان شود، اعتماد پژوهش گر به آرا و نظریات غربی هاست و این که این آرا و نظریه ها را بدون شرح و بسط منتقل کرده و تلاشی برای شرح آسان این نظریه برای خواننده خود ارائه نداده است و پژوهش گر می بایست این نظریه ها را به گونه ای آسان تر تعریف کند تا به ذائقه خواننده عربی نزدیک تر باشد. هم چنین، مقدمه این کتاب خالی از اطناب نیست و بنابه عقیده متواضع ما، مقدمه کتاب شرایط مقدمه علمی را ندارد؛ زیرا مقدمه علمی باید دارای مواردی هم چون بیان مسئله پژوهش، بیان اهداف پژوهش، روش پژوهش، و هم چنین ذکر مهم ترین محورهای کتاب باشد و بی شک با این مقدمه ناقص و غیر علمی، خواننده نمی تواند درک درستی از کتاب داشته باشد؛ زیرا مقدمه در دوازده صفحه و تنها تعریف تعامل و مفاهیم آن بر اساس نظر نظریه پردازان این شاخه از علوم انسانی آمده است.

هم چنین، پژوهش گر در قسمت توصیفی کتاب و بیان و تعریف نظریه بیش از حد اطناب و تفصیل داشته است؛ زیرا قسمت اول کتاب در ۱۷۸ صفحه آمده است و در قسمت دوم که باید به مسائل تحلیلی بپردازد، باز هم به مسائل توصیفی و تعریفی نظریه پرداخته است. پژوهش گر مسئله ژانرهای ادبی را نادیده گرفته است و تعریفی از آن دیده نمی شود و تمام تمرکز خود را وقف التفاعل کرده است، حتی سؤالات پژوهش در قسمت مقدمه صفحه ۲۴ در حیطه مفهوم تفاعل آمده است: «تفاعل چیست؟ آیا لفظ تفاعل تنها یک لفظی است که به جای مفهوم تداخل استفاده می شود؟ ماده مناسب تفاعل چیست؟ آیا می توانیم مبدأ تفاعل رمز را که در پژوهش های اجتماعی تجلی پیدا می کند بر پژوهش ادبی منطبق کنیم؟»^۵ در خاتمه این کتاب آمده است:

در طول این پژوهش تلاش کردیم تا نقش کارکرد ارتباطی جهت تشکیل ژانر ادبی را نشان دهیم، و می توان گفت که ژانرهای ادبی ویژگی های خود را تنها از عملکردها نمی گیرند بلکه قسمتی از ویژگی های خود را از دیگر ژانرها دریافت می کند^۶ (عروس ۲۰۱۰: ۴۴۶).

همان طور که مشاهده می کنیم، تمرکز پژوهش گر تنها به لفظ «التفاعل» بوده و بقیه اصطلاحات را نادیده گرفته است.

پژوهش گر بر منابع و نظریه های غربی بیش از مصادر عربی تمرکز کرده است. هم چنین، پژوهش گر تلاش متقدان و دیگر پژوهش گران مطرح در زمینه نظریه «تعامل» و نقد آن را انکار کرده است. «مسئله خوانش ارتباطی به یک مسئله جانبی و حاشیه ای باقی مانده است،

و پژوهش‌گر تنها برای توصیف نظریه آن را ذکر می‌کند و نه برای تطبیق این نظریه بر متون ادبی»^۷ (همان: ۲۳).

با کمی بررسی مصادر و کتاب‌های معتبر معاصر خواهیم دید که پژوهش‌هایی علمی و نوشته‌هایی توصیفی - تحلیلی مهمی نوشته شده است و آنچه پژوهش‌گر به آن معتقد بوده این است که نظریه تعامل تنها به صورت نظری در کتب یافت می‌شود که ادعایی نادرست است.

۸. نتیجه‌گیری

با بررسی کتاب *التفاعل فی الأجناس الأدبیه* اثر نویسنده عربستانی، به نام بسمه عروس، به نتایجی دست یافتیم. از مهم‌ترین نتایج این پژوهش موارد زیر را ذکر می‌کنیم:

- این کتاب که در واقع پایان‌نامه دوره دکتری بوده است، به دنبال یافتن و خوانش ارتباطی ژانرهای ادبی بوده و نویسنده قصد داشته است تا روابط نهان بین سبک‌های ادبی را کشف کند و سلسله تأثیر و تأثر ژانرها از یکدیگر و به هم پیوستگی آن‌ها را شرح دهد و میزان سهم هر ژانر در کارکرد ارتباطی را بیان کند، گرچه نقطه تمرکز این نویسنده بر مقامات بود.

- **بسمه عروس** در کتاب خود با تمرکز بر ژانر مقامه و تطبیق نظریه‌های جدید بر نثر قدیم به خواننده نشان داد که این متون قدیمی شامل یک کارکرد ارتباطی سبکی هیجان‌انگیز است؛ زیرا مقامه، مانند همه ژانرهای ادبی، با ویژگی‌های مختلف متمایز می‌شوند که آن‌ها از تأثیر و تأثر و تعامل با دیگر ژانرها شکل نهایی خود را به دست می‌آورند.

- از مهم‌ترین ویژگی‌های بارز این کتاب می‌توان به روش علمی آن اشاره کرد. نویسنده در این کتاب مسئله علمی را رعایت کرده و کتاب را به فصل‌های مختلف با محورهای مناسب تقسیم کرده است. هم‌چنین، طراحی جلد و کیفیت طراحی آن نشان از ذوق و قریحه نویسنده و ناشر دارد. این سلیقه طراح و ناشر نیز در مسئله لایه‌بندی، حروف‌چینی، و فاصله خطوط نیز نمایان است که به لطافت و زیبایی کتاب انجامیده است. با وجود خطاهای تایپی یا حروف‌چینی و املائی در کتاب، استفاده از واژگان مناسب در بیان مقصود از نقاط قوت قلم این نویسنده است. طبیعتاً هیچ نوشته‌ای خالی از نقص نبوده است. این کتاب نیز خطاهای سهوی دارد

که می توان مسئله اعراب گذاری شعر و عدم اعراب گذاری متن مقامه را از مهم ترین خطاها دانست؛ زیرا متن اصلی مقامه اعراب گذاری شده است و بر نویسنده واجب بوده تا واژگان صحیح را در ارجاع دهی خود منتقل کند. هم چنین، اشتباهات تایپی و املائی و استفاده نکردن از علائم نگارشی یکی دیگر از این خطاهاست.

- متأسفانه یکی از معایب این کتاب اقتباس نظریه از نظریه پردازان غربی بدون شرح و بسط نظریه هاست که متن کتاب را به متنی خشک و نامفهوم تبدیل کرده است. پیچیدگی تعاریف این نظریه ها در قسمت نظری کتاب و نامفهوم بودن تعریف ها سبب شده است که این کتاب مناسب مواد درسی دانشگاهی خصوصاً در دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد نباشد. لذا به دلیل پیچیدگی تعاریف نظری، کتاب را متناسب با دروس دانشگاهی مورد توافق در رشته زبان و ادبیات عرب در دانشگاه های ایران نمی بینیم. با وجود این، می توان این کتاب را در دوره دکتری معرفی کرد؛ زیرا در مطالعه متون قدیمی می توان برای تحلیل این نوع متون از نظریات جدید بهره برد و این کتاب نمونه ای موفق در تطبیق نظریه جدید بر متون قدیم است.

پی نوشت ها

۱. تکامل ژانرهای ادبی در پرتو نظریه های انتقادی مدرن: مقایسه ای انتقادی.

۲. حمادی صمود، متولد ۱۹۴۷، استاد و نویسنده تونسی که عضو «مؤسسه بیت الحکمه» است.

۳.

محاولة لسبر هذا المفهوم ومحاولة اختباره واختبار بعض الأجناس الأدبية الثرية من خلاله وتبيين مدى استجابتها لقراءة تفاعلية ومدى هذه القراءة في الكشف عن القوانين الخفية لتحوّل الأنواع والأشكال وحقيقة القيم التي تنشدها من خلال تحوّلها وتقلّبها في شتى المنازل أو زوالها عن مراتبها الأصلية (عروس ۲۰۱۰: ۱۶).

۴.

تجلّت محاولتنا إجراء هذه القراءة من خلال النظر في بعض نصوص المقامات بغية استجلاء المظاهر التي تشتمل على تعامل أجناسي أو على شتى أشكال التفاعل وصيغته وهو ما قادنا إلى تبين أهمّ مظاهره الراجعة بالأصل إلى تفاعل شكلاني والوقوف على أهميّة الأشكال ودورها في العملية التفاعلية إلى جانب النظر في أثر نعتيره من أهمّ ما كتب في القرن الثالث للهجرة، كتاب "النمر والتعلب" "السهل بن هارون" الذي يعدّ - في رأينا - فاتحة لمظاهر تفاعلية ونزعات تبلورت في ما بعد في آثار متأخرة (عروس ۲۰۱۰: ۴۴۴).

٥. ماهو التفاعل؟ هل هو مجرد لفظ يستعمل بديلاً عن مفهوم التداخل؟ ماهي الدراسة الأنسب للتفاعل؟ وهل يمكن أن نطبق مبدأ التفاعل الرمزي كما تجلّى في الدراسة الاجتماعية على الدراسة الأدبية؟

٦.

لقد حاولنا من خلال مختلف مراحل هذا البحث إبراز دور البعد التفاعلي في إنشاء الجنس الأدبي ونحت سماته المميّزة ممّا يمكن من القول إن الأجناس لا تتخذ سماتها فقط انطلاقاً من الوظائف التي تنهض بالتعبير عنها والأغراض التي تنشأ لأجلها وإنما تستمدّ بعضاً من هذه لسمات من خلال أشكال التعامل مع الأجناس المجاورة لها أو الاقتران بها واستعارة خصائصها (عروس ٢٠١٠: ٤٤٦).

٧.

إن فكرة التفاعل قد بقيت مجرد رأي جانبي يأتي به الباحث في سياق التعبير عمّا تستثيره فيه مختلف الظواهر الأدبية وليس تطبيقاً لمبادئ أو تصوّرات صارمة تنتمي إلى مذهب مخصوص في مقارنة الظواهر الأدبية أو ابتكار نسق نظري جديد يمكن أن ينتظم مفاهيم التفاعل ويؤطرها (عروس ٢٠١٠: ٢٣).

كتابنامه

أوسليمان، عبدالوهاب إبراهيم (١٩٨٦)، *كتابة البحث العلمي ومصادر الدراسات الإسلامية*، جده: دار الشروق.

تركي، طارق (بي تا)، «تداخل الأجناس الأدبية بين القديم والحديث»، *مجلة الآداب واللغات*، دانشگاه محمد البشير الإبراهيمي برج بوعريبريج - الجزائر، ج ٦، ش ٢. تليمه، عبدالمنعم (١٩٧٦)، *مقدمة في نظرية الأدب*، قاهره: دار الثقافة.

جاسم، جاسم محمد (٢٠١٣)، *جماليات العنوان: مقارنة في خطاب محمود درويش الشعري*، عمان: دار مجدلاوي.

خاكي، غلامرضا (١٣٨٦ش)، *روش تحقيق با رويکرد پايان نامه نويسي*، تهران: بازتاب.

سايته روشن العربي، «ماهو الفرق بين المصادر و المراجع؟»، ٢٠١٧، على الرابط التالي:

<<https://www.eroshen.com/ejabat/index.php/٢٠٨٢٤>>

سيدأحمد، حيدر محمد جمال (٢٠١١)، «شعرية العنونة: عزالدين المناصرة نموذجاً»، *مجلة الجامعة الإسلامية للبحوث الإنسانية*، غزة، الجامعة الإسلامية، ج ١٩، ش ٢.

الطائي، حسن دخيل (٢٠١٣)، «تداخل الأنواع الأدبية النشأة والتطور»، *مجلة العلوم الإنسانية*، دانشكده التربية للعلوم الإنسانية، بابل، ش ١٦.

عتيق، عمر عبدالهادي (٢٠٠٨)، «تداخل الأجناس الأدبية في رواية عكا الملوك للروائي أحمد رفيق عوض»، *همايش النقد الدولي* ١٢، دانشگاه البرموك، دانشكده الآداب، گروه زبان عربي.

عروس، بسمه (٢٠١٠)، *التفاعل في الأجناس الأدبية / مشروع قراءة لنماذج من الأجناس الشعرية القديمة*، بيروت: مؤسسة الانتشار العربي.

أنتولوژی كتاب التفاعل فی الأجناس الأدبیه در ترازوی نقد ... (رسول بلاوی) ۴۷

فلاح، حسینه (۲۰۱۶)، «التفاعل النصی - الأجناسی فی ثلاثیه أحلام مستغانمی»، مجلة الخطاب، دانشگاه مولود معمري، جزائر، ش ۲۱.

قاسم، نادر (۲۰۱۶)، «نظریه تطور الأجناس الأدبیه فی ضوء النظریات النقدیه الحدیثه: مقارنة نقدیه تحلیلیه»، مجلة أماریاک، الأكادیمیة الأمریکیه العربیه للعلوم و التکنولوجیا، ج ۷، ش ۲۲.

قسومة، الصادق (۲۰۰۴)، نشأة الجنس الروائی بالمشرق العربی، تونس: دار الجنوب للنشر.

مبارکیه، سلیم (۲۰۱۷م)، تداخل الأنواع الأدبیه فی روایه «جسر البوح وآخر للحنین» لزهور ونیسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده زبان و ادبیات، گروه زبان و ادبیات عربی، جزائر: دانشگاه العربی التبسی - تبسة.

مطلوب، احمد (۲۰۰۰)، معجم المصطلحات البلاغیه و تطورها، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.

ویس، أحمد محمد (۲۰۰۹)، دراسات مختارة فی نظریه الأدب، دمشق: دار کیوان.

هلال، محمد غنیمی (د.ت)، الأدب المقارن، بیروت: دار العودة و دار الثقافة.

یحیوی، رشید (۱۹۹۱م)، مقدمات فی نظریه الأنواع الأدبیه، المغرب: الدار البیضاء.

